

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۱

سوره اسراء

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و ۱۱۱ آیه است

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۳

قبل از ورود در تفسیر این سوره توجه به چند نکته لازم است :

۱ - نامهای این سوره و محل نزول آن

نام مشهور این سوره بنی اسرائیل است و نامهای دیگری نیز از قبیل اسراء و سبحان دارد.

روشن است که هر یک از این نامها به تناسب مطالبی است که در این سوره در رابطه با آن وجود دارد، اگر نام بنی اسرائیل بر آن گذارده شده به خاطر آنست که بخش قابل ملاحظه‌ای در آغاز و پایان این سوره پیرامون بنی اسرائیل است.

و اگر به آن اسراء گفته میشود به خاطر نخستین آیه آن که پیرامون اسراء (معراج) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن میگوید، و سبحان نیز از نخستین کلمه این سوره گرفته شده است.

ولی در روایاتی که فضیلت این سوره را بیان میکند تنها به نام بنی اسرائیل برخورد نمیکنیم، و به همین جهت غالب مفسران همین نام را برای سوره، برگزیده‌اند.

به هر حال مشهور و معروف این است که تمام یکصد آیه این سوره در مکه نازل شده است، و مفاهیم و محتوای آن نیز کاملاً متناسب با سورههای مکی است

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۴

هر چند بعضی از مفسران معتقدند پاره‌ای از آیات آن در مدینه نازل شده است، ولی گفتار مشهور صحیحتر به نظر میرسد.

۲ - فضیلت این سوره

از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و همچنین از امام صادق (علیه السلام) اجر و پاداش فراوانی برای کسی که این سوره را بخواند نقل شده است از جمله اینکه:

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) چنین می خوانیم: من قرء سورة بنی اسرائیل فی کل لیلۃ جمعه لم یمت حتی یدرک القائم ویکون من اصحابه: کسی که سوره بنی اسرائیل را هر شب جمعه بخواند از دنیا نخواهد رفت تا اینکه قائم را درک کند و از یارانش خواهد بود.

کرار گفته ایم پاداشها و فضیلت‌هایی که برای سوره‌های قرآن بیان شده هرگز برای خواندن تنها نیست، بلکه خواندنی است که توام با تفکر و اندیشه، و سپس الهام گرفتن برای عمل بوده باشد.

مخصوصاً در یکی از همین روایات مربوط به فضیلت این سوره میخوانیم فرق قلبه عند ذکر الوالدین: کسی که این سوره را بخواند و به هنگامی که به توصیه‌های خداوند در ارتباط با پدر و مادر در این سوره میرسد، عواطف او تحریک گردد و احساس محبت بیشتر نسبت به پدر و مادر کند دارای چنان پاداشی است.

بنابراین الفاظ قرآن هر چند بلاشک محترم و پر ارزش است، ولی این الفاظ مقدمه‌ای است برای معانی و معانی مقدمه‌ای است برای عمل.

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵

۳ - محتوای این سوره در یک نگاه کوتاه

گفتیم این سوره بنا بر مشهور از سوره‌هایی است که در مکه نازل شده است و طبعاً ویژگیهای سوره‌های مکی در آن جمع است، از جمله دعوت مؤثر به توحید، و توجه دادن به معاد، و نصائح سودمند، و مبارزه با هر گونه شرک و ظلم و انحراف بطور کلی میتوان گفت آیات این سوره بر محور امور زیر دور می‌زند.

۱ - دلائل نبوت مخصوصاً قرآن و نیز معراج.

۲ - بحث‌هایی مربوط به معاد، مساله کیفر و پاداش و نامه اعمال و نتایج آن.

۳ - بخشی از تاریخ پر ماجرای بنی اسرائیل که در آغاز سوره و پایان آن آمده است.

۴ - مساله آزادی اراده و اختیار و اینکه هر گونه عمل نیک و بد، نتایج‌اش به خود انسان بازگشت میکند.

- ۵ - مساله حساب و کتاب در زندگی این جهان که نمونه‌ای است برای جهان دیگر.
- ۶ - حقشناسی در همه سطوح مخصوصا درباره خویشاوندان، وبخصوص پدر و مادر.
- ۷ - تحریم اسراف و تبذیر و بخل و فرزندکشی و زنا و خوردن مال یتیمان و کمفروشی و تکبر و خونریزی.
- ۸ - بحثهائی در زمینه توحید و خداشناسی.
- ۹ - مبارزه با هر گونه لجاجت در برابر حق و اینکه گناهان میان انسان و مشاهده چهره حق پرده میافکند.
- ۱۰ - شخصیت انسان و فضیلت و برتری او بر مخلوقات دیگر.
- ۱۱ - تاثیر قرآن برای درمان هر گونه بیماری اخلاقی و اجتماعی.
- ۱۲ - اعجاز قرآن و عدم توانائی مقابله با آن.

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۶

- ۱۳ - وسوسه‌های شیطان و هشدار به همه مؤمنان به راههای نفوذشیطان در انسان.
- ۱۴ - بخشی از تعلیمات مختلف اخلاقی.
- ۱۵ - و سرانجام فراهائی از تاریخ پیامبران به عنوان درسهای عبرتی برای همه انسانها و شاهی برای مسائل بالا.
- به هر صورت مجموعه بحثهای عقیدتی و اخلاقی و اجتماعی در این سوره نسخه کاملی را تشکیل میدهد برای ارتقاء و تکامل بشر در زمینه‌های مختلف، و جالب اینکه این سوره با تسبیح خدا شروع میشود و با حمد و تکبیر او پایان میگیرد تسبیح نشانه‌ای است برای پاکسازی و پیراستن از هر گونه عیب و نقص، و حمد نشانه‌ای است برای آراستن به صفات فضیلت، و تکبیر رمزی است به پیشرفت و عظمت.

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۷

آیه ۱

آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصا الذی
بارکنا حوله لنریه من آیاتنا انه هو السميع البصیر
ترجمه :

بنام خداوند بخشنده مهربان
۱- پاک و منزّه است خدائی که بندهاش را در یک شب از مسجدالحرام به
مسجد اقصی که گرداگردش را پر برکت ساختیم برد، تا آیات خود را به او
نشان دهیم او شنوا و بیناست.

تفسیر:

معراج گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
نخستین آیه این سوره از مساله اسراء یعنی سفر شبانه پیامبر (صلی الله علیه و
آله و سلم) از مسجد الحرام به مسجد اقصی (بیت المقدس) که مقدمه ای برای
معراج بوده است سخن میگوید، این سفر که در یک شب و مدت کوتاهی صورت
گرفت حداقل در شرایط آن زمان از طرق عادی به هیچوجه امکان پذیر نبود،
و جنبه اعجاز آمیز و کاملا خارق العاده داشت.

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۸

نخست میگوید: منزّه است آن خداوندی که بندهاش را در یک شب از مسجد
الحرام به مسجد اقصی برد (سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام
الی المسجد الاقصی).
این سیر شبانه خارق العاده: به خاطر آن بود که بخشی از آیات عظمت خود را
به او نشان دهیم (لنریه من آیاتنا).
و در پایان اضافه میکند خداوند شنوا و بینا است (انه هو السميع البصیر).
اشاره به اینکه اگر خداوند پیامبرش را برای این افتخار برگزیدنی دلیل نبود،
زیرا او گفتار و کرداری آنچنان پاک و شایسته داشت که این لباس بر قامتش
کاملا زیبا بود، خداوند گفتار پیامبرش را شنیده و کردار او را دیده و لیاقتش
را برای این مقام پذیرفته بود.
بعضی از مفسران این احتمال را نیز در جمله فوق داده اند که منظور از آن
تهدید منکران این اعجاز است که خداوند سخنانشان را می شنود و اعمالشان را
می بیند و از توطئه آنها آگاه است.
این آیه در عین فشردگی بیشتر مشخصات این سفر شبانه اعجاز آمیز را بیان
میکند:

۱ - جمله اسری نشان می‌دهد که این سفر، شب هنگام واقع شد، زیرا اسراء در لغت عرب به معنی سفر شبانه است، در حالی که کلمه سیر به مسافرت در روز گفته میشود.

۲ - کلمه لیلا در عین اینکه تأکیدی است برای آنچه از جمله اسراء فهمیده میشود، این حقیقت را نیز بیان میکند که این سفر بطور کامل در یک شب واقع شد، و مهم نیز همین است که فاصله میان مسجد الحرام و بیت المقدس که بیش از یکصد فرسخ است و در شرائط آن زمان می‌بایست روزها یا هفته‌ها بطول

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۹

بیانجامد، تنها در یک شب رخ داد.

۳ - کلمه عبد نشان می‌دهد که این افتخار و اکرام به خاطر مقام عبودیت و بندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، چرا که بالاترین مقام برای انسان است که بنده راستین خدا باشد، جز برپیشگاه او جبین نساید، و در برابر فرمانی جز فرمان او تسلیم نگردد، هر کاری میکند برای خدا باشد و هر گام برمیدارد رضای او رابطلد.

۴ - همچنین تعبیر به عبد نشان می‌دهد که این سفر در بیداری واقع شده. و این سیر جسمانی بوده است نه روحانی، زیرا سیر روحانی معنوی معقولی جز مساله خواب یا حالتی شبیه به خواب ندارد، ولی کلمه عبد نشان می‌دهد که جسم و جان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این سفر شرکت داشته، منتها کسانی که نتوانسته‌اند این اعجاز را درست در فکر خود هضم کنند احتمال روحانی بودن را به عنوان توجیهی برای آیه ذکر کرده‌اند، در حالی که می‌دانیم اگر کسی به دیگری بگوید من فلان شخص را به فلان نقطه بردم مفهومی این نیست که در عالم خواب یا خیال بوده یا تفکر اندیشه او به چنین سیری پرداخته است.

۵ - آغاز این سیر (که مقدمه‌ای بر مساله معراج به آسمانها بوده و بعدا دلائل آن ذکر خواهد شد مسجد الحرام در مکه و انتهای آن مسجد الاقصی در قدس بوده است.

البته در اینکه پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از کنار خانه کعبه به این سیر پرداخت و یا در خانه یکی از بستگانش بود، (و از آنجا که به همه شهر مکه گاهی به عنوان احترام، مسجد الحرام گفته میشود این تعبیر در آیه ذکر شده

است) در میان مفسران گفتگواست، ولی بدون شک ظاهر آیه این است که مبدء سیر او مسجدالحرام بوده است.

۶ - هدف از این سیر، مشاهده آیات عظمت الهی بوده، همانگونه که دنباله

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۱۰

این سیر در آسمانها نیز به همین منظور انجام گرفته است تا روح پر عظمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در پرتو مشاهده آن آیات بینات، عظمت بیشتری یابد، و آمادگی فزونتری برای هدایت انسانها پیدا کند، نه آنگونه که کوتاه فکران می‌پندارند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به معراج رفت تا خدا را ببیند!، به گمان اینکه خدا محلی در آسمانها دارد!!

به هر حال پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گرچه عظمت خدا را شناخته بود، و از عظمت آفرینش او نیز آگاه بود، ولی شنیدن کی بود مانند دیدن! در آیات سوره نجم که به دنباله این سفر یعنی معراج در آسمانها اشاره میکند نیز میخوانیم لقد رای من آیات ربه الکبری: او در این سفر آیات بزرگ پروردگارش را مشاهده کرد.

۷ - جمله بارکنا حوله بیانگر این مطلب است که مسجد الاقصی علاوه بر اینکه خود سرزمین مقدسی است اطراف آن نیز سرزمین مبارک و پر برکتی است و این ممکن است اشاره به برکات ظاهری آن بوده باشد چرا که می‌دانیم در منطقه‌ای سرسبز و خرم و مملو از درختان و آبهای جاری و آبادیها واقع شده است.

و نیز ممکن است اشاره به برکات معنوی آن بوده باشد، زیرا این سرزمین مقدس در طول تاریخ کانون پیامبران بزرگ خدا، و خاستگاه نور توحید و خدا پرستی بوده است.

۸ - جمله انه هو السميع البصیر همانگونه که گفتیم اشاره به این است که بخشش این موهبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بی حساب نبوده بلکه به خاطر شایستگی‌هایی بوده که بر اثر گفتار و کردارش پیدا شد و خداوند از آن به خوبی آگاه بود.

۹ - ضمنا کلمه سبحان دلیلی است بر اینکه این برنامه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خود نشانه‌ای بر پاک و منزّه بودن خداوند از هر عیب و نقص است.

۱۰ - کلمه من در من آیاتنا نشان میدهد که آیات عظمت خداوند

آنقدر زیاد است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با تمام عظمتش در این سفر پر عظمت تنها گوشه‌ای از آنرا مشاهده کرده‌است.

مساله معراج

مشهور و معروف در میان دانشمندان اسلام این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به هنگامی که در مکه بود در یک شب از مسجد الحرام به مسجد اقصی در بیت المقدس به قدرت پروردگار آمد، و از آنجا به آسمانها صعود کرد، و آثار عظمت خدا را در پهنه آسمان مشاهده نمود و همان شب به مکه بازگشت.

و نیز مشهور و معروف آنست که این سیر زمینی و آسمانی را با جسم و روح تواما انجام داد.

ولی از آنجا که این یک موضوع فوق العاده شگرفی است، جمعی به توجیه آن پرداخته و آنرا به معراج روحانی تفسیر کرده‌اند که چیزی شبیه یک خواب یا مکاشفه روحی خواهد بود، اما همانگونه که گفتیم این موضوع کاملاً با ظواهر آیات مخالف است چرا که ظاهراً آیات به مساله جسمانی بودن گواهی میدهد. به هر حال پیرامون این بحث سؤالات فراوانی وجود دارد از جمله:

۱ - چگونگی معراج از نظر قرآن و حدیث و تاریخ.

۲ - اعتقاد دانشمندان اسلامی اعم از شیعه و اهل تسنن در این زمینه.

۳ - هدف معراج.

۴ - امکان معراج از نظر علوم روز.

هر چند بحث طولانی پیرامون این مسائل از عهده یک بحث تفسیری خارج است ولی ما سعی می‌کنیم فشرده این مسائل را برای خوانندگان عزیز ذیلاً بیاوریم.

۱ - معراج از نظر قرآن و حدیث

در دو سوره از سوره‌های قرآن به این مساله اشاره شده است: نخست همین سوره اسراء است که تنها بخش اول این سفر را بیان میکند (یعنی سیر از مکه و مسجد الحرام به مسجد اقصی و بیت المقدس).

اما در سوره نجم طی شش آیه از آیه ۱۳ تا ۱۸ قسمت دوم معراج یعنی سیر

آسمانی آمده است، آنجا می فرماید : و لقد رآه نزلة اخرى. عند سدرۃ المنتهى. عندها جنة الماوی. اذ یغشی السدرۃ ما یغشی. ما زاغ البصر و ما طغی. لقد رأى من آیات ربه الكبرى خلاصه مفاد این شش آیه چنین است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای دومین بار فرشته وحی جبرئیل را به صورت اصلی مشاهده و ملاقات کرد (مرتبه اول در آغاز نزول وحی در کوه حرا بود). این ملاقات در نزد بهشت جاویدان صورت گرفت. پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مشاهده این منظره دچار خطا و اشتباه نشد.

آیات و نشانه های بزرگی را از عظمت خدا مشاهده کرد. این آیات که به گفته اکثر مفسران از معراج سخن میگویند نیز نشان میدهد که این حادثه در بیداری اتفاق افتاده است، مخصوصاً جمله ما زاغ البصر و ما طغی چشم پیامبر دچار خطا و انحراف و طغیان نشد) گواه دیگر بر این موضوع است

از نظر حدیث، روایات بسیار زیادی در زمینه مساله معراج در کتب معروف اسلامی نقل شد که بسیاری از علمای اسلام تواتر یا شهرت آن را تصدیق کرده اند، به عنوان نمونه:

فقیه و مفسر بزرگ شیخ طوسی در تفسیر تبیان ذیل آیه مورد بحث چنین میگوید: علمای شیعه معتقدند خداوند در همان شبی که پیامبرش را از مکه به بیت المقدس برد او را به سوی آسمانها عروج داد، و آیات عظمت خود را در آسمانها

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۱۳

به او ارائه فرمود، و این در بیداری بود نه در خواب. مفسر عالیقدر مرحوم طبرسی در تفسیر خود مجمع البیان ذیل آیات سوره نجم چنین میگوید مشهور در اخبار ما این است که خداوند پیامبر را با همین جسم در حال بیداری و حیات به آسمانها برد و اکثر مفسران را نیز عقیده همین است.

محدث شهیر علامه مجلسی در بحار الانوار میگوید: سیر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از مسجد الحرام به بیت المقدس و از آنجا به آسمانها از جمله مطالبی است که آیات واحادیث متواتر شیعه و سنی بر آن دلالت دارد، و انکار امثال این مسائل یا تاویل و توجیه آن به معراج روحانی، یا خواب

دیدن پیامبر ناشی از عدم اطلاع از اخبار ائمه هدی و یا ضعف یقین است. سپس اضافه میکند اگر بخواهیم اخباری را که در این باره رسیده جمع آوری کنیم کتاب بزرگی خواهد شد.

از میان دانشمندان اهل تسنن منصور علی ناصف که از علمای معاصر و از دانشمندان الازهر و نویسنده کتاب معروف التاج است در کتاب خود احادیث معراج را جمع آوری کرده است.

فخر رازی مفسر معروف در ذیل آیه مورد بحث پس از ذکر یک رشته استدلالات عقلی بر امکان وقوع معراج میگوید از نظر حدیث، احادیث معراج از روایات مشهوره است که در کتب صحاح اهل سنت نقل شده و مفاد آنها سیر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مکه به بیت المقدس و از آنجا به آسمانها است.

شیخ عبد العزیز بن عبد الله بن باز رئیس ادارات بحوث علمیه و افتاء و دعوت و ارشاد که از علمای متعصب وهابی معاصر است، در کتاب التحذیر من البدع میگوید: شک نیست که اسراء و معراج از نشانه‌های بزرگی است

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۱۴

که دلالت بر صدق پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و بلندی مقام و منزلت او میکند تا آنجا که میگوید: اخبار متواتر از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که خدا او را به آسمانها برد و درهای آسمان را به روی او گشود. ذکر این نکته کاملاً ضرورت دارد که در لابلاي روایات معراج احادیث مجعول یا ضعیفی به چشم میخورد که به هیچوجه قابل قبول نیست. لذا مفسر بزرگ مرحوم طبرسی ذیل همین آیه مورد بحث احادیث معراج را به چهار گروه تقسیم کرده است:

- ۱ - روایاتی که به حکم تواتر قطعی است، مانند اصل موضوع معراج.
- ۲ - احادیثی که قبول آنها هیچ مانع عقلی ندارد و در روایات به آن تصریح شده است مانند مشاهده بسیاری از آیات عظمت خدا در پهنه آسمان.
- ۳ - روایاتی که با ضوابط و اصولی که در دست داریم مخالف است ولی میتوان آنها را توجیه کرد، مانند احادیثی که میگوید پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آسمانها جمعی را در بهشت و گروهی را در دوزخ دید که باید گفت منظور مشاهده صفات بهشتیان و دوزخیان بوده است یا بهشت و دوزخ (برزخی).

۴ - روایاتی که مشتمل بر امور نامعقول و باطل می باشد و وضع آنها گواه روشنی بر ساختگی بودن آنها است، مانند روایاتی که میگوید پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خدا را آشکارا دید، با او سخن گفت، و با او نشست که با هیچ منطقی سازگار نمی باشد بلکه مخالف دلیل عقل و نقل است، و بدون شک این گونه روایات مجعول است.

در تاریخ وقوع معراج در میان مورخان اسلامی اختلاف نظر است، بعضی آنرا در سال دهم بعثت شب بیست و هفتم ماه رجب دانسته، و بعضی آنرا در سال دوازدهم شب ۱۷ ماه رمضان، و بعضی آنرا در اوائل بعثت ذکر کرده اند، ولی اختلاف در تاریخ وقوع آن مانع از اتفاق در اصل وقوع آن نیست.

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۱۵

ذکر این نکته نیز لازم است که این تنها مسلمین نیستند که عقیده به معراج دارند، این عقیده در میان پیروان ادیان دیگر کم و بیش وجود دارد از جمله در مورد حضرت عیسی (علیه السلام) بصورت سنگینتری دیده میشود، چنانکه در انجیل مرقس باب ۶، و انجیل لوقا باب ۲۴، و انجیل یوحنا باب ۲۱، میخوانیم که عیسی پس از آنکه به دار آویخته و کشته و دفن شد از مردگان برخاست و چهل روز در میان مردم زندگی کرد سپس به آسمانها صعود نمود (و به معراج همیشگی رفت)

ضمناً از بعضی از روایات اسلامی نیز استفاده میشود که بعضی از پیامبران پیشین نیز دارای معراج بوده اند.

آیا معراج جسمانی بوده یا روحانی؟

علاوه بر اینکه مشهور میان دانشمندان اسلام (اعم از شیعه و اهل تسنن) این است که این امر در بیداری صورت گرفته ظاهر خود آیات قرآن در آغاز سوره اسراء و همچنین سوره نجم (چنانکه شرح آن در بالا گذشت) نیز وقوع این امر را در بیداری گواهی می دهد.

تواریخ اسلام نیز گواه صادقی بر این موضوع است، زیرا در تاریخ می خوانیم هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مساله معراج را مطرح کرد مشرکان به شدت آنرا انکار کردند و آنرا بهانه ای برای کوبیدن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دانستند، این به خوبی گواهی میدهد که پیامبر هرگز مدعی خواب یا مکاشفه روحانی نبوده و گر نه اینهمه سر و صدا نداشت: و اگر در روایتی از حسن بصری میخوانیم که کان فی المنام رؤیا رآها: این امر

در خواب واقع شده است و یا خبری که از عایشه نقل شده: و الله مافقد جسد رسول الله و لکن عرج بروحه به خدا سوگند بدن پیامبر از میان ما نرفت تنها روح او به آسمانها پرواز کرد ظاهرا جنبه سیاسی

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۱۶

داشتنه و برای خاموش کردن جنجالی بوده است که درباره مساله معراج در میان عده‌ای به وجود آمده بود.

هدف معراج

با توجه به بحثهای گذشته این مساله برای ما از جمله واضحات است که هدف از معراج این نبوده که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به دیدار خدا در آسمانها بشتابد! آنچنان که ساده لوحان پنداشته‌اند که متاسفانه بعضی از دانشمندان غربی به خاطر ناآگاهی یا دگرگون ساختن چهره اسلام در نظر دیگران، آنرا نقل کرده‌اند، از جمله اینکه گیورگیو در کتاب محمد پیامبری که از نو باید شناخت میگوید محمد در سفر معراج به جائی رسید که صدای قلم خدا رامی شنید و می فهمید که خدا مشغول نگهداری حساب افراد می باشد! ولی با اینکه صدای قلم خدا را می شنید او را نمی دید! زیرا هیچکس نمیتواند خدا را ببیند و لو پیغمبر باشد (محمد پیغمبری که از نو باید شناخت صفحه ۱۲۵).

این نشان میدهد که مخصوصا قلم از نوع قلم چوبی است! که به هنگام حرکت روی کاغذ تحریر می لرزد و صدا میکند!! و امثال این خرافات و لطائلات. نه هدف این بوده که روح بزرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با مشاهده اسرار عظمت خدا را در سراسر جهان هستی، مخصوصا عالم بالا که مجموعه‌ای است از نشانه‌های عظمت او مشاهده کند، و باز هم درک و دید تازه‌ای برای هدایت و رهبری انسانها بیابد.

این هدف صریحا در آیه یک سوره اسراء و آیه ۱۸ سوره نجم آمده است. روایت جالبی نیز در این زمینه از امام صادق (علیه السلام) در پاسخ سؤال از علت معراج نقل شده است که فرمود: ان الله لایوصف بمكان، و لا یجری علیه زمان،

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۱۷

و لکنه عز و جل اراد ان یشرف به ملائکته و سکان سماواته، و یکرهمهم

بمشاهده، و یریه من عجائب عظمته ما یخبر به بعد هبوطه: خداوند هرگز مکانی ندارد، و زمان بر او جریان نمی گیرد، و لکن اومیخواست فرشتگان و ساکنان آسمانش را با قدم گذاشتن پیامبر درمیان آنها احترام کند و نیز از شگفتی های عظمتش به پیامبرش نشان دهد تا پس از بازگشت برای مردم بازگو کند.

معراج و علوم روز

در گذشته بعضی از فلاسفه که معتقد به افلاک نهگانه بطلمیوسی پوست پیازی بودند مانع مهم معراج را از نظر علمی وجود همین افلاک و لزوم خرق و التیام در آنها می پنداشتند.

ولی با فرو ریختن پایه های هیئت بطلمیوسی مساله خرق و التیام بدست فراموشی سپرده شد، اما با پیشرفتی که در هیئت جدید به وجود آمد مسائل تازه های در زمینه معراج مطرح شده و سؤالاتی از این قبیل:

۱ - برای اقدام به یک سفر فضائی نخستین مانع نیروی جاذبه است که باید با وسائل فوق العاده بر آن پیروز شد، زیرا برای فرار از حوزه جاذبه زمین سرعتی لااقل معادل چهل هزار کیلومتر در ساعت لازم است !.

۲ - مانع دیگر، فقدان هوا در فضای بیرون جو زمین است که بدون آن انسان نمیتواند زندگی کند.

۳ - مانع سوم گرمای سوزان آفتاب و سرمای کشنده ای است که در قسمتی که آفتاب مستقیماً میتابد و قسمتی که نمیتابد وجود دارد.

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۱۸

۴ - مانع چهارم اشعه های خطرناکی است که در ماوراء جو وجود دارد مانند اشعه کیهانی و اشعه ماوراء بنفش و اشعه ایکس، این پرتوها هرگاه به مقدار کم به بدن انسان بتابد زیانی بر ارگانیسم بدن او ندارد، ولی در بیرون جو زمین این پرتوها فوق العاده زیاد است و کشنده و مرگبار اما برای ما ساکنان زمین وجود قشر هوای جومانع از تابش آنها است.

۵ - مشکل بیوزنی است، گرچه انسان تدریجاً میتواند به بیوزنی عادت کند ولی برای ما ساکنان روی زمین اگر بیمقدمه به بیرون جومنتقل شویم و حالت بیوزنی دست دهد، تحمل آن بسیار مشکل یا غیر ممکن است.

۶ - و سرانجام مشکل زمان ششمین مشکل و از مهمترین موانع است چرا که علوم روز میگوید سرعتی بالاتر از سرعت سیر نور نیست و اگر کسی بخواهد

در سراسر آسمانها سیر کند باید سرعتی بیش از سرعت سیر نور داشته باشد.

در برابر این سؤالات توجه به چند نکته لازم است:

۱ - ما می دانیم که با آن همه مشکلاتی که در سفر فضائی است بالاخره انسان توانسته است با نیروی علم بر آن پیروز گردد، و غیر از مشکل زمان همه مشکلات حل شده و مشکل زمان هم مربوط به سفر به مناطق دور دست است.

↑
نفرت

←
بعد